

بررسی عناصر انسجام دستوری و واژگانی در شعر عامه

(مورد مطالعه: لالایی)

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۵)

محمداسماعیل دهقان طزرجانی^۱

حسن ذوالفقاری^۲

چکیده

ادبیات عامه به عنوان زیرمجموعه‌ای از فرهنگ عامه، از دل توده مردم برخاسته و دوره به دوره، از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. ادبیات عامه زائیده توده مردم است و در نتیجه، زبانی سلیس، روان و به دور از تکلف و تصنع دارد. از جهتی، متنی دارای زبان سلیس و روان است که انسجام بالایی داشته باشد در این مقاله، نمونه‌ای از شعر عامه فارسی بر پایه نظریه انسجام دستوری و واژگانی هالیدی و حسن بررسی شده است تا شگردهای ایجاد انسجام و میزان کارکرد هر عنصر انسجامی، درجه انسجام و نحوه هماهنگی عناصر انسجامی در زنجیره‌های پیوندی در زبان طبیعی مردم به دست آید. پس از انتخاب و تحلیل یک متن لالایی بر عنوان مبنای تحلیل، بنابر نظریه انسجام، معلوم شد که این گونه از شعر عامه، از لحاظ انسجام، در درجه بسیار بالایی قرار دارد و عناصر اساسی در ایجاد انسجام شعر عامه، تکرار و حذف هستند. برآیند مقاله نشان می‌دهد که اکثر زنجیره‌های انسجامی با گره‌هایی از نوع هم‌طبقه و هم‌گستر پیوند یافته‌اند؛ بنابراین در متن لالایی مورد بحث، زنجیره‌های شباهت، سبب هماهنگی انسجامی می‌شوند. روش پژوهش در این جستار، توصیفی - تحلیلی بوده است.

کلیدواژه‌ها: شعر عامه، لالایی، انسجام دستوری، انسجام واژگانی، هالیدی و حسن.

۱. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس، رایانامه: smaeeledhghan@gmail.com

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس، رایانامه: zolfagari@modares.ac.ir

۱. مقدمه

یکی از عناصر فولکلور را زبان و ادبیات عامه تشکیل می‌دهد که غنی‌ترین بخش فرهنگ عامه است و شامل مجموعه‌ای از آثار روایی و غیر روایی منظوم و منثور و اغلب به شکل شفاهی است که از حیث ساختار و محتوا، با ادبیات سنتی مکتوب فارسی متفاوت است؛ برآمده از ذهن مردم بی‌سواد یا کم‌سواد است و مخاطبان آن مردم عادی‌اند؛ بنابراین، در مقابل ادبیات رسمی و کلاسیک قرار می‌گیرد (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۱۱-۱۲). زبان ساده، لحن عامه و حالات و اندیشه‌های عوام در این ادبیات نمایان است (ریپکا، ۱۳۵۴: ۲۴۰-۲۳۹). ادبیات فولکلور، حاوی اعتقادات، باورها و عناصر ساختاری فرهنگی و اجتماعی و دلیل استمرار هویت ویژه هر قوم است.

برای انواع و ژانرهای زبان و ادبیات عامه، تقسیم‌بندی‌های گوناگونی با نگاه‌های متفاوت ارائه شده است. در کتاب *زبان و ادبیات عامه ایران* (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۱۲) پنج دسته عمده، که هرکدام دربرگیرنده زیرژانرهای مختلف هستند، تحت عنوان‌های ادبیات روایی، ادبیات غیرروایی، ادبیات منظوم، ادبیات نمایشی و زبان عامه آمده است. طبق این دسته‌بندی، اشعار خواب (لالایی‌ها) و نوازش ذیل ادبیات منظوم معرفی می‌شوند.

لالایی‌ها را می‌توان جزء اولین چامه‌هایی دانست که مادر در ارتباط با کودکش می‌سراید و بر زبان می‌آورد. «لالا در لغت به معنی غلام، بنده و لاله شکل دیگر آن به معنی مربی و خدمتکار است» (همان: ۳۵۶)؛ اما آنچه ما اکنون در اصطلاح به معنای لالایی می‌شناسیم «آوازی است که مادر با هدف آرامش دادن به کودک و خواب کردن او به صورت موزون و آهنگ‌دار و مقفی برای وی زمزمه می‌کند» (جعفری قنواتی، ۱۳۹۴: ۳۶۸). در مورد وجه تسمیه لالایی، عطاری معتقد است که شاید دلیل این نامگذاری آن باشد که غالب این آوازه‌ها را غلامان و دایگان برای کودکان می‌خوانده‌اند و چون برگرفته از واژه ترکی «لله» بوده، خواننده‌هایشان لالایی نام گرفته‌اند (انوشه، ۱۳۸۱: ۲۰۶). شاید همگونی لفظ «لالالالا» که در اشعار لالایی تکرار می‌شود، بی‌ارتباط با رسم خواندن اذان در گوش نوزاد، نباشد؛ چنان‌که در باور مردم هرزگان نیز این لفظ برگرفته از ذکر «لا اله الا الله» دانسته شده است. در هر صورت لالایی‌ها از آن رو که از

بررسی عناصر انسجام دستوری و واژگانی در شعر عامه ❖ ۴۲

دل فرهنگ عامه جوشیده‌اند و از درون عواطف توده‌های مردم برخاسته‌اند، به ادبیات عامه مربوط می‌شوند. (حسن‌لی، ۱۳۸۲: ۶۲)

اشعار عامه از زبانی ساده و بدون تکلف برخوردارند. زبان عامه نیز که ماندگارترین عنصر فرهنگی در طول زمان شناخته می‌شود، عبارت است از «کلمات و ترکیبات زبان محاوره مردم نیمه‌فرهینخته که بی‌قید و بند سخن می‌گویند و الفاظی بر زبان می‌آورند که مردم فرهینخته از ادای آنها خاصه در محافل رسمی، به شدت احتراز می‌کنند» (نجفی، ۱۳۷۸: ۷). شناسایی زبان عامه و نوع استفاده مردم از زبان و نحوه گزینش آنان از امکانات زبانی، ما را به مشخص ساختن مختصات سبکی زبان مردم و چگونه اندیشیدن آنان رهنمون می‌شود.

یک سخن، هنگامی می‌تواند پیام و منظور خود را برساند که در بین اجزای سازنده آن، عواملی از انسجام وجود داشته باشد. وجود این عوامل انسجام، شرط متن شدن کلام است. مردم، خود به خود با سازوکارهای زبانی آشنا شده‌اند و در کلامشان از این عناصر انسجام، برای رساندن پیام، استفاده می‌کنند. برای بررسی عوامل انسجام در زبان عامه و میزان بسامد هر کدام در سخن مردم، به بررسی یک لالایی به نسبت بلند در چارچوب نظری هالیدی و حسن می‌پردازیم. ما در این مقاله به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر هستیم:

- عوامل انسجام در شعر عامه و لالایی مورد بحث کدام‌اند؟

- عناصر انسجام واژگانی و دستوری به چه صورت در متن لالایی مورد بحث نمود یافته‌اند؟

- با توجه به میزان بسامد هر عنصر انسجامی، کدام یک مؤثرترند؟

تحلیل اشعار عامه در چارچوب نظریات زبان‌شناسی این امکان را برای ما فراهم می‌آورد که عناصر و شگردهای سبکی زبان اصیل توده را بشناسیم؛ شگردهایی که هم‌گوینده و هم‌مخاطبان درکشان می‌کنند و با آنها آشنایی دارند. از آنجا که «مشخصه اصلی ترانه‌های محلی، صداقت شاعر در طرح احساسات و به کارگیری زبان ساده و طبیعی و به دور از تکلفات زبان رسمی است» (رستگار فسایی، ۱۳۷۳: ۱۳۱) و نیز سلاست و روانی کلام حاصل انسجام آن است و انسجام متن موجب به وجود آمدن

کلام سلیس می‌شود (امیری خراسانی و علی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۱۵) در این مقاله، لایلی‌ها را در چارچوب نظریه انسجام متن هالیدی و حسن بررسی کرده‌ایم تا میزان انسجام عناصر زبانی در متن مشخص شود. کاربرد این نظریه در اشعار عامه، درجه انسجام و پیوند بندها در زبان عامه را به همراه شیوه کارکرد هر عنصر انسجامی و میزان بسامد کاربرد آن نشان می‌دهد.

۲. پیشینه پژوهش

نظریه انسجام، نظریه‌ای در زبان‌شناسی نقش‌گراست که با مفاهیم و موضوعات نو، شیوه تحلیل نوینی را در عرصه متن‌پژوهی ارائه می‌دهد؛ بنابراین، ما در آثار قدما و بلاغیون کلاسیک، نظری در این باره نمی‌بینیم، حتی اگر جایی هم از انسجام سخن گفته‌اند، مطلقاً در مورد عناصر انسجام متن با این سازوکار نبوده است. نظریه انسجام به عنوان روشی کارآمد برای تحلیل در کرسی‌های متن‌پژوهی سراسر جهان رونق دارد و هنوز هم راه تکامل را می‌پیماید. در ایران نیز پژوهش‌های فراوانی در زمینه انسجام متون صورت گرفته‌اند که بر اساس نظریه اولیه هالیدی و حسن، ارائه شده در سال ۱۹۷۶ م، نوشته شده‌اند. برخی از آنها در زیر آمده‌اند:

- بررسی حذف در زبان فارسی، نوشته فاطمه فضل‌علی (۱۳۷۳)؛
- روابط انسجامی در زبان فارسی: ارجاع، اثر زینب محمدابراهیمی (۱۳۷۶)؛
- حذف و جانشینی به عنوان ابزارهای انسجام متن در زبان فارسی؛ از لادن مظفرزاده رودسری (۱۳۷۶)؛
- بررسی عوامل انسجامی در قرآن: سوره یوسف، از مجید فصیحی هرنندی (۱۳۸۰)؛
- بررسی تأثیر تعداد نشانه‌های انسجام در میزان درک متن، به قلم علی‌اکبر شیرینی (۱۳۸۱)؛
- بررسی عوامل انسجام بین‌متنی در نوشته‌های دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر تهران، نوشته سمیه ابوذر (۱۳۸۶)؛
- اهمیت عوامل انسجامی در ترجمه رمان، اثر رمضان‌علی روشن‌علی (۱۳۸۷)؛

بررسی عناصر انسجام دستوری و واژگانی در شعر عامه ❖ ۴۵

- انسجام واژگانی در متن سوررئالیستی بوف کور بر پایه نظریه هالیدی و حسن، نوشته محمود عباسی و همکاران (۱۳۹۵)؛

- ماهیت تعامل زنجیره‌ای واژه‌ها در داستان کوتاهی از همینگوی: ارائه یک رهیافت تحلیلی برای بررسی عناصر انسجامی در متون نثر ادبی، اثر بهنام بیوک (۱۳۷۹)؛

- تحلیل انسجام و پیوستگی در غزلی از حافظ با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا، اثر تقی پورنامداریان و طاهره ایشانی (۱۳۸۹)؛

- نظریه انسجام و هماهنگی انسجامی و کاربست آن در یک داستان کمینه فارسی (قصه نردبان)، از ناصرقلی سارلی و طاهره ایشانی (۱۳۹۰)؛

از میان تمامی این پژوهش‌ها، تنها سه مورد اخیر از نظریه کامل‌شده هالیدی و حسن استفاده کرده‌اند و بقیه جستارها بنا بر نظریه اولیه هستند. بهنام بیوک (۱۳۷۹) در مقاله خود سعی داشته است تا چگونگی تبلور عناصر مهم همبافتی را در عناصر ملموس انسجامی بررسی کند و کمک و ویژگی‌های انسجامی متن به شکل‌گیری عناصر کلان‌گفتمانی را نشان دهد. در مقاله «تحلیل انسجام و پیوستگی در غزلی از حافظ با رویکرد زبان‌شناسی کنش‌گرا» (۱۳۸۹) نیز ابتدا نظریه انسجام هالیدی و حسن، معرفی و سپس غزلی از حافظ در همین چارچوب نظری، بررسی شده است.

سارلی و ایشانی (۱۳۹۰) نیز کوشیده‌اند تا براساس نظریه تکامل یافته انسجام هالیدی و حسن و مفهوم هماهنگی انسجامی، عوامل انسجام، هماهنگی انسجامی، پیوستگی و نیز کاربست این نظریه را در یک داستان کمینه فارسی مورد کنکاش قرار دهند.

بنابراین، همان‌گونه که نشان داده می‌شود، همه این آثار بر مبنای نظریه انسجام هالیدی و حسن نوشته شده‌اند اما در هیچ‌یک، زبان عامه مردم مورد بررسی قرار نگرفته و میزان انسجام و درجه هماهنگی انسجامی آن سنجیده نشده است به این ترتیب می‌توان گفت که پژوهش حاضر از لحاظ نوع زبان و نوع متن مورد تحقیق، تازگی دارد.

۳. چارچوب نظری

قصده نگارندگان در این بخش، معرفی کوتاه و کارآمد نظریه انسجام است. درخصوص نظریه انسجام، مطالب و توضیحات فراوانی نگاشته شده که بخشی از آنها در پیشینه پژوهش آمده است و علاقه‌مندان می‌توانند برای آشنایی کامل با نظریه بدان منابع رجوع کنند.

زبان‌شناسی صورت‌گرا، از بررسی و مطالعه واحدی بلندتر از جمله، یعنی «متن» غافل بود. «به تدریج توجه زبان‌شناسانی چون زلیک هریس (۱۹۵۲) و پایک (۱۹۶۷) به بررسی توزیع عناصر زبانی در سطحی بزرگ‌تر از محدوده جمله، یعنی متون، معطوف شد و متن به عنوان یک واحد فراتر از جمله کشف شد و ساختار آن مورد کندوکاو و بررسی قرار گرفت» (آقاگل‌زاده و افخمی، ۱۳۸۳: ۹۱) و زبان‌شناسی نقش‌گرا پایه‌گذاری شد. زبان‌شناسی نقش‌گرا، موضع خود را نسبت به زبان، معطوف به نقش عناصر زبانی تعریف می‌کند؛ از نظر آنها، زبان نهادی اجتماعی و بخشی از نظام اجتماعی است؛ چرا که ابزاری برای انتقال معنی و برقراری ارتباط میان افراد جامعه.

مایکل هالیدی^۱ یکی از توسعه‌دهندگان زبان‌شناسی نقش‌گراست. او و همسرش، رقیه حسن^۲، در سال ۱۹۷۶م. نظریه انسجام^۳ در زبان انگلیسی را معرفی می‌کنند و بعدها به گسترش و تکمیل نظریه خود می‌پردازند. از نظر آن دو، انسجام یک مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن اشاره دارد و آن را به منزله متن از غیر متن جدا می‌سازد (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۴). به بیان دیگر، هر متنی اگر متن باشد، باید ویژگی اصلی انسجام را داشته باشد. درواقع، ابزار اصلی برای تشخیص متن از غیر متن، انسجام است. «انسجام بر یک اصل بسیار ساده استوار است و آن اینکه هر جمله که در متن می‌آید حداقل از یک منظر با جمله یا جملات پیش از خود در پیوند باشد. چنین پیوندی، از طریق الفاظ و عباراتی ایجاد می‌شود که به نوعی، یادآور و تکرار

1. Halliday M. A. K

2. Hassn, R

3. Cohesion

بررسی عناصر انسجام دستوری و واژگانی در شعر عامه ❖ ۴۷

چیزی هستند که فعل یا موضوع پیش تر به آن اشاره داشته یا آن را نشان داده است» (فاولر، ۱۳۹۵: ۱۱۹). عامل انسجام تعیین می کند که آیا جملات یک متن با هم در ارتباط هستند یا متن از جملات غیرمرتبط تشکیل شده است. «هیچ کلمه‌ای در خارج از یک متن چندان وجه اشتراکی با کلمات دیگر ندارد، ولی در زمینه متن، جملات یکدیگر را بسط می دهند (همان: ۱۱۶). انسجام به مناسبات معنایی اشاره می کند که میان عناصر یک متن وجود دارد و به واسطه عمل آنها، تعبیر برخی از عناصر متن امکان پذیر می گردد. یک عنصر، عنصر دیگری را پیش‌انگاری می کند و بدون توسل بدان نمی تواند رمزگشایی شود. این مناسبات به کلام وحدت و یکپارچگی می بخشد و آن را همچون متن، از مجموعه‌ای از جملات جداگانه و نامربوط متمایز می کنند (قوامی و آذرنوا، ۱۳۹۲: ۷۳). در صورت نبود این مناسبات، متن از هم گسیخته و نامربوط می شود و ویژگی متن بودگی خود را از دست می دهد؛ بنابراین «متون ممکن است دارای انسجام ضعیف تر و یا قوی تری باشند اما هیچ متنی بدون انسجام نیست».

(گوت‌وینسکیف، ۱۹۷۸: ۳۳ به نقل از سارلی و ایشانی، ۱۳۹۰: ۵۵)

هالیدی و حسن، انسجام را به دو گروه انسجام ساختاری و انسجام غیرساختاری و باز انسجام غیر ساختاری را - که حوزه کار ما در این پژوهش است - به دو گروه انسجام دستوری و انسجام واژگانی تقسیم می کنند. آنها عوامل انسجام دستوری را مقولاتی چون: ارجاع، جایگزینی و حذف، و عوامل انسجام واژگانی را مقولاتی چون: تکرار، هم‌معنایی، تضاد معنایی، جزء و کل، برابری، نامگذاری و تشابه می دانند.

اما صرف وجود عناصر انسجام در متن، به معنای اتمام تحلیل انسجام نیست؛ بلکه بررسی تعامل داخلی گره‌ها و زنجیره‌های انسجامی نیز ضرورت دارد که هماهنگی انسجامی نامیده می شود. زنجیره‌های انسجامی به دو دسته کلی تقسیم می شوند: زنجیره‌های یکسانی و زنجیره‌های شباهت (رک. پورنامداریان و ایشانی، ۱۳۸۹: ۱۵). زنجیره‌های یکسانی (عینیت) بیشتر از عناصری تشکیل می شوند که بر اساس ارتباط معنایی شان، هم‌مرجع هستند؛ این دسته به این دلیل که نوعی ارتباط را بر اساس عینیت یا یکسانی به وجود می آورند، همیشه به صورت متن‌محور در نظر گرفته می شوند. زنجیره‌های شباهت از عناصری تشکیل می شوند که در گره‌های هم‌طبقه یا هم‌گستر قرار دارند.

۴۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

گره یا پیوند، مفهومی است که علاوه بر اینکه شامل عنصر انسجامی است، عامل پیش‌انگاشت نیز هست (شعبانلو و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۷۳)، انسجام را در جمله مستقر می‌کند و یک عنصر از یک جمله را به عنصری دیگر در جمله‌ای دیگر ربط می‌دهد. هالیدی و حسن، بر اهمیت گره یا به عبارتی، دوتا بودن و با هم آمدن یک جفت عنصر که از نظر انسجامی به هم مربوط‌اند، بسیار تأکید کرده‌اند (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۳). دو عنصر هر گره، دارای نوعی رابطه معنایی با یکدیگرند و اساس انسجام را بین پیام‌های یک متن تشکیل می‌دهند. گره، مفهومی جهت‌مند و دوسویه است؛ یعنی هم می‌تواند به پیش و هم به پس از خود اشاره کند و ارجاع دهد (مظفرزاده رودسری، ۱۳۷۶: ۶۹). گره‌ها سه نوع را شامل می‌شوند که عبارت‌اند از: گره‌های هم‌مرجع (بیشتر با عنصر ارجاع شناخته می‌شوند)، گره‌های هم‌طبقه (عناصر جایگزینی و حذف از این نوع‌اند) و گره‌های هم‌گستر (عناصر واژگانی بیشتر در این نوع قرار می‌گیرند).

هر عنصر واژگانی که در زنجیره‌های یکسانی و شباهت وجود دارد، یک نمونه نامیده می‌شود. به تمام نمونه‌هایی که در یک متن شرکت می‌کنند، کل نمونه‌ها می‌گویند؛ بنابراین، به‌طور کلی می‌توان گفت که مجموع نمونه‌های جنبی و مرتبط، کل نمونه‌ها هستند. نمونه‌های مرتبط همه نمونه‌هایی را دربرمی‌گیرند که در زنجیره‌های یکسانی یا شباهت حضور دارند. نمونه‌هایی که در هیچ‌یک از زنجیره‌ها دیده نمی‌شوند، نمونه‌های جنبی هستند.

چکیده‌ای از نظریه هالیدی و حسن در جدول زیر نشان داده شده است.

پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱. عوامل غیر ساختاری انسجام در نظریه هالیدی و حسن

	رابطه نوعی گره (typical tie relation)	عنصر (device)	
۱. پیوندی (conjunctives) ۲. مجاورت جفت‌ها (adjacency pairs)	هم‌مرجع (co-reference)	الف) ارجاع (rereference) ۱. ضمیری (prononminals) ۲. اشاره‌ای (demonstrative) ۳. حرف تعریف (difinite articie) ۴. مقایسه‌ای (comparative)	عوامل انسجام دستوری
		ب) جانشینی و حذف (substitution & ellipsis)	
(continulative) تمدیدی	هم‌طبقه (co-classification) یا هم‌گستر (co-extention)	۱. اسمی (nominal) ۲. فعلی (verbal) ۳. بندی (clausal)	عوامل انسجام واژگانی
		الف) عام (general) ۱. تکرار (repetition) ۲. هم‌معنایی (synonymy) ۳. تضاد معنایی (antonymy) ۴. جزء و کل (meronymy)	
	هم‌طبقه (co-classification) یا هم‌مرجع (co-reference)	ب) نمونه‌ای (instantial) ۱. برابری (equivalence) ۲. نام‌گذاری (naming) ۳. تشابه (semblance)	

(هالیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۸۲)

۴. بحث و بررسی

۴-۱. تفکیک لالایی بر اساس نظریه انسجام

در این بخش به بررسی عوامل انسجام متن در لالایی‌ها می‌پردازیم. در متن ابتدایی و مورد مطالعه، مراحل شناسایی، زیاد و عوامل انسجام به قرار زیر است:

لالالایی لالایی
برو لولو سر دیوار

برو لولوی صحرائی
بچم خوابه نکن بیدار

برو لولوی صحرائی	لالالالای لالایی
بلاگردون بچم شو	برو لولو جهنم شو
و قرآن زیر سر داره	که این بچه پدر داره
عجب تاجی به سر داره	دوتا شمشیر کمر داره

این متن یکی از لالایی‌های به نسبت بلند است و از همین رو برای بررسی عوامل انسجام دستوری و واژگانی انتخاب شده است.

– در مرحله بعد، هر بند از متن به صورت جملات جداگانه نوشته می‌شود:

۱. برو (ای) لولوی صحرائی
۲. برو (ای) لولو (از) سر دیوار
۳. بچم خوابه
۴. (ای لولو) (او را) نکن بیدار
۵. برو (ای) لولوی صحرائی
۶. برو (ای) لولو
۷. (ای لولو) جهنم شو
۸. (ای لولو) بلاگردون بچم شو
۹. که این بچه پدر داره
۱۰. (بچه) قرآن زیر سر داره
۱۱. (بچه) دو تا شمشیر (به) کمر داره
۱۲. (بچه) عجب تاجی به سر داره

– واژگان موجود در هر بند به غیر از حروف ربط، اضافه و ... به همراه صفت و مضاف الیه آن به صورت جداگانه نوشته می‌شود. این کار به ما کمک می‌کند تا تعداد کل نمونه‌ها به دست آید.

– برو – لولو – صحرائی

– برو – لولو – سردیوار

بررسی عناصر انسجام دستوری و واژگانی در شعر عامه ❖ ۵۱

- بچه - م - خواب - ه
 - (تو = لولو) - (او = بچه) - بیدار نکن
 - برو - لولو - صحرایی
 - برو - لولو
 - (لولو) - جهنم - شو
 - (لولو) - بلاگردون - بچه - م - شو
 - بچه - پدر - داره
 - (بچه) - قرآن - سر - داره
 - (بچه) - دو تاشمشیر - کمر - داره
 - (بچه) - تاجی - سر - داره
- بررسی عناصر انسجام در کل نمونه‌ها

جدول ۲. بررسی عناصر انسجام در متن مورد مطالعه

عوامل انسجام دستوری و واژگانی								شماره بند	
						برو	صحرایی	لولو	۱
						سردیوار	برو	لولو	۲
				خواب است	م (مادر)	بچه			۳
				بیدار نکن		(بچه)		(لولو)	۴
						برو	صحرایی	لولو	۵
						برو		لولو	۶
						جهنم	شو	(لولو)	۷
				بلاگردون	م (مادر)	بچه		(لولو)	۸
			دارد		پدر	بچه			۹
	سر		دارد	قرآن		(بچه)			۱۰
	کمر	دو تاشمشیر	دارد			(بچه)			۱۱
	سر	تاجی	دارد			(بچه)			۱۲

تعداد کل نمونه‌ها: ۴۰ مورد

۴-۲. عوامل انسجام دستوری

الف) ارجاع

برای روشن شدن مفهوم متن، بافتار و در پی آن انسجام، درک روابط ارجاعی بسیار مهم است؛ چون در متن باید به دنبال عواملی بود که به آنچه قبل یا بعد آمده است، ارجاع می‌دهند (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۳). انسجام متن تنها با وجود عامل «رجوع‌کننده» شکل نمی‌گیرد، بلکه وجود هر دو عامل «رجوع‌کننده» و «رجوع‌شونده» برای شکل گرفتن انسجام دو یا چند جمله و در پی آن، متن، لازم است (غلامحسین‌زاده و نوروزی، ۱۳۸۷: ۶). ارجاع، موجب بازیابی اطلاعات کهنه و نو شدن آنها می‌شود. از نظر هالیدی و حسن، عناصری در متن وجود دارند که تحت تأثیر عناصر دیگر هستند؛ از جمله ضمائر که به وسیلهٔ مراجع خود تفسیر می‌شوند. مرجع ضمیر ممکن است در متن وجود داشته باشد اما گاهی اوقات نیز ذکر نمی‌شوند (امیری خراسانی و علی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۱۲). ارجاع به دو صورت در متن اتفاق می‌افتد:

۱. ارجاع برون‌متنی: مرجع ضمیر خارج از متن قرار دارد. این نوع ارجاع سبب انسجام متن نمی‌شود.

۲. ارجاع درون‌متنی: مرجع ضمیر در جملات قبل و بعد قرار دارد.

در متن مورد بررسی ما، ضمیر «م» در بندهای ۳ و ۶ از نوع عامل ارجاع هستند.

ب) حذف

حذف برخی اجزای جمله به قرینه‌های لفظی و معنوی، یکی از سنت‌های زبانی برای رعایت اختصار، تأثیر زبان گفتار، ایجاز و یا هر دلیل دیگر است (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۷۵). حذف یکی از ابزارهای ساخت‌وساز متن است و این امکان را فراهم می‌آورد که اجزایی از جمله به قرینه حذف شوند. حذف اجزای جمله، نشانه‌ای از پیوستگی و انسجام متن و تمرکز آن بر موضوع واحد است. این عامل تمرکز گویندگان را بر موضوع گفتگو ضمانت می‌کند و نشان‌دهندهٔ اطلاع آنان از زمینهٔ کلام است (فاولر، ۱۳۹۵: ۱۲۱). علاوه بر این، حذف موجب درگیر شدن دریافت‌کنندهٔ متن با متن می‌شود تا با تلاش ذهنی، مقولات حذف شده را درک و شناسایی کند. «هالیدی و

بررسی عناصر انسجام دستوری و واژگانی در شعر عامه ❖ ۵۳

حسن، حذف را پدیده‌ای نحوی می‌دانند که روشی برای جلوگیری از حشو در کلام است. از نظر آنان، عنصر محذوف از کلام و ساختار متن، ردپایی از خود به جا می‌گذارد تا خواننده سعی کند به کمک اطلاعات حاصل از سایر بخش‌های متن، عنصر یا عناصر حذف شده را دریابد؛ بنابراین مطلب حذف شده قابل فهم است» (امیری خراسانی و علی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۱۶). باید توجه کرد که «تشکیل جملات ناقص از ضروریات کلام سلیس است. وقتی ذکر عضو و اجزایی از جمله به دلیل وجود قرینه لزومی نداشته باشد، مسلم است که کاربرد آن عضو به سلاست و روانی کلام خدشه وارد می‌سازد» (شفایی، ۱۳۶۳: ۱۹۰-۱۸۹). این عنصر زبانی در متون ادبیات عامه کارکرد فراوان دارد و در تمامی گونه‌های آن بسامد چشمگیری دارد (رک. ذوالفقاری، ۱۳۸۵: ۷۵). حذف، پدیده‌ای زبانی است که ما در کلام زنان بسیار با آن مواجه می‌شویم. پژوهش‌ها نشان داده که زنان در گفت‌وگو، بیش از مردان تمایل به قطع کلام و تغییر مسیر گفت‌وگو دارند. آنها چندان علاقه‌مند به ادامه و تکمیل بحث نیستند؛ به همین دلیل جمله‌های ناتمام در سخن ایشان بیشتر است» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۴۰۸).

حال به بررسی این عامل در متن مورد نظر می‌پردازیم. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، زبان ادبیات عامه، زبانی روان، سلیس و به‌دوراز تکلف است و از لوازم زبان سلیس، حذف است؛ از طرفی، لالایی‌ها زاینده ذهن زنان در طول تاریخ هستند و می‌توان پیش‌بینی کرد که عامل حذف در آنها دوچندان یافت شود. به متن لالایی مورد نظر دقت کنید. در بندهای ۴ (دو مورد)، ۷، ۸، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ این عامل به چشم می‌خورد؛ یعنی در متنی با ۴۰ کل نمونه، با ۷ مورد حذف مواجهیم. برای اثبات محکم بیشتر، لالایی زیر را هم بررسی می‌کنیم:

الالا گـــــل نـــــر گس که بد بر تو نیاد هرگز
 نه بد بر تو (بیاد) نه (بد) بر بابات (بیاد) نه (بد) بر دای بلند بالات (بیاد)

در این شعر ۵ مورد حذف صورت گرفته و واژگان حذف شده داخل پرانتزها آمده است. در هر دو مثال، تمام حذف‌ها با قرینه لفظی است.

ج) جانشینی

منظور از جانشینی، قرار گرفتن یک عنصر زبانی به جای عنصر زبانی دیگر است؛ یعنی ممکن است که کلمه یا عبارتی، جانشین کلمه، عبارت و یا یک بند یا پاره‌متن در متن شود (امیری خراسانی و علی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۱۴). در پیوندهای جایگزین، کلماتی نه دقیقاً به خود یک چیز، بلکه به شیئی که همان کلمه راجع به آن می‌تواند به کار رود برمی‌گردند. (فاولر، ۱۳۹۵: ۱۲۰)

در متن لالایی یاد شده، این نوع از عنصر انسجامی دیده نمی‌شود.

۳-۴. عوامل انسجام واژگانی

الف) تکرار

یکی از ابزارهای ساده انسجام در متن، تکرارهای لفظی است. «تکرار، شگردی است برای ایجاد نظم در متن» (صفوی، ۱۳۷۳: ۱۶۳). در واقع ما در اینجا، با یک عامل موسیقی‌ساز سروکار داریم. «عناصر موسیقایی، علاوه بر اینکه موجب آرایش کلام، برجستگی برخی واژگان و القای معانی ثانویه در ذهن مخاطب می‌شوند، در انسجام متن نیز نقش مهمی دارند (امیری خراسانی و علی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۱۹). موسیقی کلام از تکرار یک لفظ یا آوا پدید می‌آید. در ادبیات منظوم عامه، عنصر تکرار در انسجام متن بسیار حائز اهمیت است. تأثیر عامل تکرار در لالایی بالا به شرح زیر است:

- واژه «لولو»، در بندهای ۱، ۲، ۵، ۶.

- واژه «صحرايي» در بندهای ۱ و ۵.

- واژه «برو» در بندهای ۱، ۲، ۵، ۶.

- واژه «بچه» در بندهای ۳، ۸، ۹.

- واژه «دارد» در بندهای ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲.

- واژه «سر» در بندهای ۱۰ و ۱۱.

در این متن ما با ۱۹ مورد تکرار در ۴۰ کل نمونه مواجه شدیم؛ این میزان کاربرد، کارکرد بسیار بالایی عنصر تکرار در اشعار عامه را می‌رساند. «عنصر تکرار، لحن متن را

بررسی عناصر انسجام دستوری و واژگانی در شعر عامه ❖ ۵۵

تحت تأثیر قرار می‌دهد، به متن ضرب‌آهنگ خاصی می‌بخشد و موجب انسجام و پیوستگی، تأکید معنا، ارتباط لفظ و معنا، القای معنی و تقویت اثر می‌گردد» (امیری خراسانی و علی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۳۱). در واقع یکی از شاخصه‌های اصلی در لالایی، وجود همین عنصر آهنگ و تکرار موسیقایی است که می‌تواند با طفل ارتباط برقرار کند. موسیقی در لالایی‌ها به قدری واضح است که حتی برای غیرفارسی‌زبانان هم اثرگذار است و موجب تداوم متن، جذب مخاطب و تأثیر کلام می‌شود. برای اثبات بیشتر فرضیه، عنصر تکرار را در یک لالایی دیگر نیز بررسی می‌کنیم:

لالایت می‌کنم با دست پیری که دست مادر پیرت بیگیری
لالایت می‌کنم خوابت نمیاد بزرگت می‌کنم یادت نمیاد

این دو بیت شعر، حاوی ۲۶ کل‌نمونه است که از این تعداد، ۱۷ نمونه با کارکرد عنصر تکرار با یکدیگر در ارتباط هستند و عبارت‌اند از:
لالایی (۲مورد)، می‌کنم (۳ مورد)، ضمیر «ت» (۶مورد)، دست (۲مورد)، پیر (۲مورد)، نمیاد (۲ مورد). موسیقی در این قطعه لالایی به حدی است که آن را به آرایه ترصیع می‌رساند.

ب) هم‌معنایی

یکی دیگر از عناصر انسجام متن، هم‌معنایی یا مترادف است. این عنصر یک عامل واژگانی است که از نظر معنوی، باعث ایجاد انسجام در بین بندهای متن می‌شود. در متن ما، در بند ۷ کلمه «شو» مترادف کلمه «برو» در بندهای ۱، ۲، ۵ و ۶ است. همچنین در بند ۲ «سر دیوار رفتن» با «جهنم رفتن» به معنای «گم شدن، دور شدن»، با هم مترادف‌اند.

ج) تضاد معنایی

تضاد معنایی از ابزارهای انسجام واژگانی در متن است که به صورت معنوی در ایجاد انسجام ایفای نقش می‌کند. در واقع واژه‌هایی از یک سنخ که در تضاد با هم قرار

دارند، از این نوع‌اند. در تضاد معنایی، ما با گونه‌ای از تناسب (باهم‌آیی، همایش) سروکار داریم. نگارنده قصد دارد تضاد معنایی را ذیل عنصر تناسب معرفی کند و تمامی کلمات بندها را، که باهم در ارتباط و از یک سنخ هستند، برشمرد. عنصر همایش، پیوند معنایی کلام را بر عهده دارد؛ زیرا ربط موضوعی کلام را حفظ می‌کند تا صحبت از موضوع منحرف نشود. کاربرد کلمات هم‌آیکی از ابزارهای بسیار طبیعی و ناملموس پیوستگی‌های متن است که البته اهمیت آن کم نیست (فاولر، ۱۳۹۵: ۱۲۳). منظور از همایش، آمدن کلمات مرتبط در متن است؛ یعنی آن کلماتی که از نظر معنای انفرادی یا عرف زبانی باهم سنخیت دارند، در کنار هم قرار می‌گیرند. در بدیع به این صنعت در جمله یا در ادبیات شعر، مراعات نظیر گفته می‌شود.

در متن لالایی یاد شده، عنصر تناسب در پیوندهای زیر مشخص است:

- «خواب است» در بند ۳ با «بیدار نکن» در بند ۴.

- «پدر» در بند ۹ با «مادر» در بندهای ۳ و ۸.

- «شمشیر» در بند ۱۱ با «تاج» در بند ۱۲.

- «سر» در بند ۱۰ و ۱۲ با «کمر» در بند ۱۱.

عنصر تناسب دو مورد اول، از نوع تضاد معنایی و در بقیه موارد، از نوع مراعات نظیر است. عنصر تناسب در اشعار عامه بسیار کلیدی است و بیشتر، اشعاری که حالت طبیعت‌گرایی در آنها دیده می‌شود سرشار از این عنصر هستند؛ برای مثال، در لالایی زیر که حالت طبیعت‌گرایانه دارد، مراعات نظیر موج می‌زند:

الالا گل لاله پلنگ در کوه چه می‌ناله

نه بز می‌خواد نه بزغاله

پلنگ پیر بی‌دندون خرو خورده خود پالون

در این شعر، گروه کلمات «لاله، کوه، پلنگ/ پلنگ، بز، بزغاله، خرو/ خرو، پالون/

خوردن، دندون/ پیر، بی‌دندون» با هم در تناسب هستند.

بررسی عناصر انسجام دستوری و واژگانی در شعر عامه ❖ ۵۷

(د) کل و جزء^۱

کل و جزء یا شمول معنایی، از عوامل انسجام واژگانی به صورت معنایی است. این عامل با پیوند نمونه‌هایی در ارتباط است که یکی از آنها از نظر معنایی شامل مورد یا موارد دیگر نیز می‌شود. به بیان دیگر، مواردی که ذیل و زیرمجموعه یک مورد قرار می‌گیرند. تفاوت این عنصر با تناسب این است که در تناسب، با ارتباط زیرمجموعه‌ها با یکدیگر سروکار داریم اما در کل و جزء، پیوند زیرمجموعه(ها) با کل (سرگروه) موضوعیت دارد.

در متن مورد پژوهش ما، واژه «قرآن» در بند ۱۰ زیرمجموعه‌ای از «بلاگردون» در بند ۸ به حساب می‌آید و نسبت به هم رابطه کل و جزء دارند.

۴-۲. هماهنگی انسجامی

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، صرف یافتن عناصر انسجام در متن، ضامن ارتباط بندهای یک متن نیست و لازم است که روابط انسجامی و هماهنگی زنجیره‌ها نیز درک شود. زنجیره‌های انسجامی باعث ارتباط مؤثر بین نمونه‌های هر بند در متن می‌شوند و هر نمونه را از فردیت جدا می‌کنند و آن را به کل متن متعلق می‌سازند. هنگامی که گره زنجیره از نوع هم مرجع باشد، زنجیره کلامی ما از نوع یکسانی است اما اگر گره زنجیره هم طبقه یا هم گستر باشد زنجیره، از نوع شباهت است. در جدول زیر، زنجیره‌های یکسانی (با علامت اختصاری «ی») و شباهت (با علامت اختصاری «ش»)، در متن مشخص شده‌اند:

۱. در نظریه هلیدی و حسن به جای این اصطلاح از عبارت Lexical Cohesion به کار رفته. اما در لایبی مورد بحث شمول معنایی بیشتر است.

جدول ۳. زنجیره‌های یکسانی و شباهت در متن لالایی مورد بحث

زنجیره یکسانی و شباهت											ردیف
ش	ش	ش	ش	ش	ش/ای	ش	ش	ش	ش	ش	ش ^۱
								برو	صحرائی	لولو	۱.
							سردیوار	برو		لولو	۲.
				خواب است	م(مادر)	بچه					۳.
				بیدار نکن		بچه				لولو	۴.
								برو	صحرائی	لولو	۵.
								برو		لولو	۶.
							چهنم	شو		لولو	۷.
			بلاگردون		م(مادر)	بچه				لولو	۸.
		دارد			پدر	بچه					۹.
سر		دارد	قرآن			بچه					۱۰.
کمر		دارد				بچه					۱۱.
سر	تاجی	دارد				بچه					۱۲.

تعداد نمونه‌های مرتبط: ۳۹، تعداد نمونه‌های جنبی: ۱
نوع زنجیره‌های انسجامی را گره‌ها مشخص می‌کنند؛ چنانچه گره انسجامی از نوع هم‌مرجع باشد، زنجیره انسجامی از نوع یکسانی خواهد بود و اگر گره هم‌طبقه یا هم‌گستر باشد، زنجیره شباهت ایفای نقش می‌کند. در متن ما، تنها رابطه بین ضمیر در بندهای ۳ و ۸ با یکدیگر از نوع زنجیره یکسانی و در بقیه موارد از نوع شباهت است. همان‌طور که پیش از این گفته شد، منظور از نمونه‌های مرتبط، همان عناصر شرکت‌کننده در جدول زنجیره‌های یکسانی و شباهت است؛ بنابراین می‌توان گفت که

۱. مخفف شباهت است.

بررسی عناصر انسجام دستوری و واژگانی در شعر عامه ❖ ۵۹

محاسبه درصد نمونه‌های مرتبط نسبت به کل نمونه‌ها، به معنای محاسبه کمی انسجام در متن است. با توجه به اینکه در مقاله حاضر برحسب ضرورت، فقط از یک متن انتخابی لالایی برای بررسی در تحلیل استفاده کرده‌ایم، مبنای محاسبه، میزان انسجام در متن یادشده است. با داده‌هایی که در این مقاله به دست آورده‌ایم، میزان انسجام متن لالایی را محاسبه می‌کنیم و پس از محاسبه تعداد کل نمونه‌ها، نمونه‌های مرتبط و نمونه‌های جنبی، درصد نمونه‌های مرتبط نسبت به کل نمونه‌ها را می‌سنجیم. اگر این میزان دست کم ۵۰ درصد باشد، انسجام متن اثبات می‌شود و می‌توان گفت که از هماهنگی انسجامی برخوردار است.

تعداد کل نمونه‌ها: ۴۰ مورد

تعداد نمونه‌های مرتبط: ۳۹ مورد

تعداد نمونه‌های جنبی: ۱ مورد

درصد نمونه‌های مرتبط نسبت به کل نمونه‌ها = درصد انسجام متن: ۹۷/۵

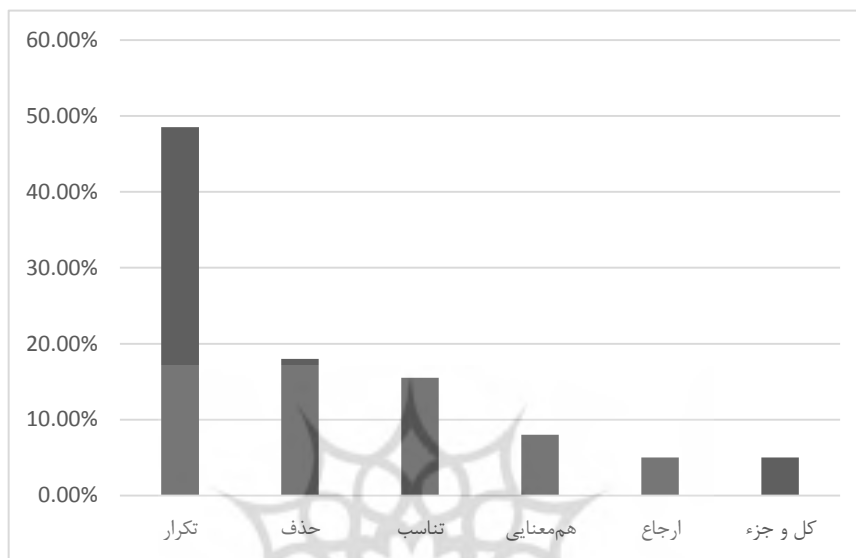
۵. جمع‌بندی

ادبیات عامه از ذهن و زبان توده مردم زاینده شده و از لحظه پیدایش بشر، ترانه‌های آن در روح و جان مردم رشد و پیدا کرده است. لالایی‌ها به عنوان زیرمجموعه‌ای از ادبیات عامه، در طول تاریخ، از ذهن مادران قدیم تراوش کرده و دوره به دوره، به نسل بعدی منتقل شده‌اند. ادبیات عامه، زبانی سلیس، روان دارد و پیدایش زبان سلیس، معلول حضور عناصر انسجام در کلام است. از آنجا که در بین متون ادبی، متون نظم از متون نثر منسجم‌تر هستند، در مقاله حاضر برآن شده‌ایم که با کاربست نظریه انسجام متن هالیدی و حسن در نمونه‌ای از لالایی‌ها، میزان کارکرد عناصر انسجام واژگانی و دستوری و هماهنگی انسجامی در متون لالایی را مشخص کنیم. منتقد می‌تواند با بهره‌گیری از ابزارها و امکاناتی که این نظریه در اختیار قرار می‌دهد، به دنیای متن وارد شود و عناصر تشکیل‌دهنده انسجام در میان اجزای را تبیین کند. ما در این جستار، با بررسی این مهم در یکی از اشعار عامه، به نتایج زیر دست‌یافتیم:

۱. این شعر عامه از انسجام بسیار بالایی برخوردار است؛ به گونه‌ای که متن لالایی مورد بحث را می‌توان دارای ۹۷/۵ درصد انسجام واژگانی و دستوری دانست.
۲. در متن لالایی، از بین عناصر واژگانی و دستوری، برخی بسامد کارکرد بیشتری داشتند. از عناصر بسیار مهم انسجام در لالایی‌ها، عنصر تکرار است. لالایی‌ها مملو از انواع تکرار از قبیل تکرار کلمه، جمله و بند هستند. در این متن، از ۹۷/۵ درصد انسجام، ۴۸/۵ درصد به عنصر تکرار تعلق دارد. دلیل بالا بودن تکرار در اکثر لالایی‌ها این است که اساساً، متکی به موسیقی هستند. قصد مادر از خواندن لالایی، آرامش دادن به کودک و خواباندن اوست یعنی در صدد است سخنی آهنگین بر زبان جاری کند و سرراست‌ترین روش ایجاد موسیقی در کلام، بهره‌گیری از صنعت تکرار در شعر است.
۳. از دیگر عناصر انسجام که در متن لالایی مورد بحث، بسامد بالایی داشت، عنصر حذف بود. حذف در سخن زنان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و اغلب سبک‌شناسان فمینیست در تحلیل کلام نویسندگان زن بر این مدعا صحه گذاشته‌اند. در متن مورد نظر، از تعداد ۳۹ نمونه مرتبط، ۷ مورد، از نوع حذف است؛ یعنی تقریباً ۱۸ درصد از کل انسجام متن؛ که این میزان کارکرد نیز دلیلی بر بسامد کارکرد حذف در کلام زنان است. تمامی حذف‌ها با قرینه لفظی هستند.
۴. در متن لالایی مورد بحث، عنصر واژگانی تناسب نیز بسیار حائز اهمیت است. مراعات نظیر جدا از اینکه باعث زیبایی سخن می‌شود، به صورت معنوی، بندهای یک متن را به هم پیوند می‌دهد. در متن مورد پژوهش، این عنصر شش بار نمود یافته است. عناصر هم‌معنایی، کل و جزء و ارجاع نیز در انسجام متن تأثیرگذار بوده‌اند که هر کدام به ترتیب، ۳ بار، ۲ بار و ۲ بار نمود داشته‌اند.
۵. در متن یاد شده، رابطه گره‌ها بیشتر از نوع هم‌طبقه یا هم‌گستر بوده‌اند و بنابراین، زنجیره‌های شباهت انسجام شکل گرفته‌اند. نسبت زنجیره‌های یکسانی به زنجیره‌های شباهت، ۱ به ۱۱ است.

بررسی عناصر انسجام دستوری و واژگانی در شعر عامه ❖ ۶۱

نمودار ۱. درصد و میزان بسامد عناصر انسجامی در متن لایایی مورد بحث



منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس و علی افخمی (۱۳۸۳). «زبان‌شناسی متن و رویکردهای آن». مجله زبان‌شناسی، سال ۱۹، شماره اول، صص ۸۹-۱۰۳.
- ابوذر، سمیه (۱۳۸۶). «بررسی عوامل انسجام بین‌متنی در نوشته‌های دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر تهران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه جامع پیام‌نور استان تهران.
- امیری خراسانی، احمد؛ علی‌نژاد، حلیمه (۱۳۹۴). «بررسی عناصر انسجام متن در نفثه‌المصدور براساس نظریه هالیدی و حسن». نشریه متن‌پژوهی ادبی دانشگاه علامه، سال ۱۹، شماره ۶۳، صص ۳۲-۷.
- انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۱). گذری و نظری در فرهنگ مردم. تهران: اسپرک.

۶۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

- بیوک، بهنام (۱۳۷۹). «هیئت تعامل زنجیره واژه‌ها در داستان کوتاهی از همینلوی؛ ارائه یک رهیافت تحلیلی برای بررسی عناصر انسجامی در متون نشر ادبی». *مجله علوم انسانی*. دانشگاه الزهرا، شماره ۳۶، صص ۲۲-۱.
- پورنامداریان، تقی؛ ایشانی، طاهره (۱۳۸۹). «تحلیل انسجام و پیوستگی در غزلی از حافظ با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم*، سال ۱۸، شماره ۶۷، صص ۴۳-۷.
- تمیم‌داری، احمد (۱۳۹۳). *فرهنگ عامه*. چاپ سوم، تهران: مهکامه.
- جعفری قنوتی، محمد (۱۳۹۴). *درآمدی بر فولکلور ایران*. تهران: جامی.
- حسن‌لی، کاووس (۱۳۸۲). «لالایی‌های مخملین، نگاهی به خاستگاه و مضامین لالایی‌های ایرانی». *مجله زبان و ادبیات فارسی*. دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال ۱، شماره پاییز و زمستان، صص ۸۰-۶۱.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۸). «بررسی ضرب‌المثل‌های فارسی در دو سطح واژگانی و نحوی». *نشریه فنون ادبی*. سال اول، شماره ۱، صص ۸۰-۵۷.
- _____ (۱۳۹۴). *زبان و ادبیات عامه ایران*، تهران: سمت.
- _____ و لیلا احمدی (۱۳۸۸). «گونه‌شناسی بومی سرودهای ایران»، *نشریه ادب پژوهی*، شماره ۷ و ۸، صص ۱۷۰-۱۴۳.
- رستگارفسایی، منصور (۱۳۷۳). *انواع شعر فارسی*. شیراز: نوید.
- روشن‌علی، رمضان‌علی (۱۳۸۷). «اهمیت عوامل انسجامی در ترجمه رمان». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، رشته مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- ریپکا، یان (۱۳۵۴). *تاریخ ادبیات ایران*، ترجمه عیسی شهابی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- سارلی، ناصرقلی؛ ایشانی، طاهره (۱۳۹۰). «نظریه انسجام و هماهنگی انسجامی و کاربست آن در یک داستان کمینه فارسی (قصه نردبان)». *دوفصلنامه زبان پژوهی دانشگاه الزهرا*، سال ۲، شماره ۴، صص ۷۷-۵۱.

بررسی عناصر انسجام دستوری و واژگانی در شعر عامه ❖ ۶۳

- شعبانلو، علیرضا؛ ملک‌ثابت، مهدی؛ جلالی پندری، یدالله (۱۳۸۷). «فرایند انسجام دستوری در شعری بلند از عمیق بخارایی»، پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهرگویا)، دوره ۲، شماره پیاپی ۵، صص ۱۸۷ - ۱۶۵.
- شفاپی، احمد (۱۳۶۳). مبانی علمی دستور زبان فارسی. تهران: اساطیر.
- شیرینی، علی‌اکبر (۱۳۸۱). بررسی تأثیر تعداد نشانه‌های انسجام در میزان درک متن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان. دانشگاه علامه طباطبایی.
- صفوی، کوروش (۱۳۷۳). از زبان‌شناسی به ادبیات. جلد اول؛ نظم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- عباسی، محمود؛ اویسی کهخا، عبدالعلی؛ ثواب، فاطمه (۱۳۹۵). «انسجام واژگانی در متن سوررئالیستی بوف کور بر پایه نظریه هالیدی و حسن». دوماهنامه جستارهای زبانی، دوره ۷، شماره پیاپی ۳۴، صص ۳۰۸ - ۲۸۳.
- عطاری، مهسان (۱۳۸۱). «لالایی‌ها». فرهنگ‌نامه ادبی فارسی. به سرپرستی حسن انوشه، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- غلامحسین‌زاده، غلامحسین؛ نوروزی، حامد (۱۳۸۷). «نقش ارجاع شخصی و اشاره‌ای در انسجام شعر عروضی فارسی». فصلنامه پژوهش‌های ادبی، سال ۵، شماره ۱۹، صص ۱۳۸ - ۱۱۷.
- فاوولر، راجر (۱۳۹۵). سبک و زبان در نقد ادبی. ترجمه مریم مشرف. تهران: سخن.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۰). سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. تهران: سخن.
- فصیحی‌هرندی، مجید (۱۳۸۰). «بررسی عوامل انسجامی در قرآن: سوره یوسف». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- فضل‌علی، فاطمه (۱۳۷۳). «بررسی حذف در زبان فارسی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.

- قوامی، بدریه؛ آذرلو، لیدا (۱۳۹۲). «تحلیل انسجام و هماهنگی انسجامی در شعری کوتاه از شاملو»، فصلنامه زبان و ادب فارسی. دانشگاه آزاد اسلامی سنندج، سال ۵، شماره ۱۵، صص ۷۱-۸۴.
- محمدابراهیمی، زینب (۱۳۷۶). «روابط انسجامی در زبان فارسی: ارجاع». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته زبان‌شناسی همگانی - دانشگاه تهران.
- مظفرزاده رودسری، لادن (۱۳۷۶). «حذف و جانشینی به عنوان ابزارهای انسجام متن در زبان فارسی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان‌شناسی، دانشگاه تهران.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۸). فرهنگ فارسی عامیانه. جلد ۱، تهران: نیلوفر.
- Gutwinski, Waldemar. (1976), **Cohesion in Literary Texts**. Mouton: Paris.
- Halliday, M,A,K. & Hasan,R.(1976), **Cohesion in English**. London: Longman
- _____. (1985), **Language, context and text: Aspects of language in a social-semiotic perspective**. Deakin University press.